

جستاری در تفسیر «اربعه ایام» سوره فصلت*

محسن زارعی جلیانی^۱

احمد جعفری (نویسنده مسؤول)^۲

چکیده:

هفت آیه از قرآن کریم، آفرینش جهان هستی را در شش دوره بیان کرده است. در آیات ۹ تا ۱۲ سوره فصلت، ظاهراً هشت دوره را مشخص کرده است. همین امر سبب شده تا مفسران و اندیشمندان اسلامی در صدد رفع تعارض ظاهری بین آیات مذکور و هفت آیه دیگر برآیند و در راستای این ضرورت، نظرات مختلفی را ارائه دهند. در این میان، آنچه مورد اختلاف آرای تفسیری گردیده، تفسیر عبارت «اربعه ایام» می‌باشد.

یافته‌ها حاکی از آن است که می‌توان اقوال اندیشمندان را در شش دیدگاه تقسیم‌بندی کرد. در این نوشتار کتابخانه‌ای، اقوال مختلف نقد و بررسی گردیده و در نهایت، نویسندگان دیدگاه جدیدی را معروض می‌دارند که تفسیری متفاوت از «اربعه ایام» در آیه دهم سوره فصلت است. هرچند تمام نظرات تعارض ظاهری را مرتفع کرده و به شبهات حول و حوش آن به‌خوبی پاسخ داده‌اند، ولی به ابعاد دیگر آیه توجهی نکرده‌اند. اهمیت پرداختن به همه زوایای تفسیری آیات مذکور، نویسندگان را برآن داشت تا از بعد علمی بدان بنگرند.

کلیدواژه‌ها:

سوره فصلت / آفرینش / زمین / کوه / معادن / کانی

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۳/۱۹، تاریخ تأیید: ۱۳۹۷/۵/۳۰.

شناسه دیجیتال (DOI): 10.22081/jqr.2019.51227.2063

mohzareie@yahoo.com

۱- استادیار دانشگاه آزاد کازرون

ahmadj55d@gmail.com

۲- دانشجوی دکتری دانشگاه آزاد کازرون



مقدمه

قرآن کریم، کتاب نور و هدایت بر محور توحید است که نشانه‌های خداشناسی را برای جویندگان راه حقیقت تبیین می‌نماید. آفرینش جهان هستی یکی از نشانه‌های خداشناسی است که در آیاتی چند از قرآن کریم به آن اشاره گردیده است. هفت آیه از قرآن کریم، خلقت گیتی را در شش دوره بیان نموده، ولی در آیات ۹-۱۲ سوره فصلت، به حسب ظاهر، هشت دوره آمده است.

از دیرباز مفسران و اندیشمندان اسلامی در صدد رفع تعارض ظاهری بین شش و هشت دوره بوده‌اند. این ضرورت موجب گردید نظرات مختلفی در این زمینه عرضه گردد. این دیدگاه‌ها نیز به‌نوبه خود مورد نقد و بررسی قرار گرفته است، به‌ویژه در دوره معاصر، محققان و اندیشمندان با یک رویکرد علمی به محتوای آیات مذکور پرداخته و اظهار نظر کرده‌اند.

هرچند تمامی نظرات تعارض ظاهری مذکور را مرتفع ساخته‌اند، ولی اهمیت مطلب چنان است که مفسران و اندیشمندان اسلامی تلاش کرده‌اند پاسخ بهتری به خرده‌گیران و معاندان قرآن کریم درباره این معما دهند که جامع افراد و مانع اغیار باشد. این نوشتار نیز همین هدف را دنبال می‌کند و با نگاهی علمی به آیات ۹-۱۲ سوره فصلت، در صدد بررسی عبارت «فِي أَرْبَعَةِ أَيَّامٍ سَوَاءً» برآمده تا ثابت نماید چهار دوره مذکور در آیه دهم، ارتباطی با چهار دوره مذکور در آیات نهم و دوازدهم ندارد و از این راه، تعارض ظاهری بین شش و هشت دوره را نفی نماید. بنابراین به تبیین عبارت «أَرْبَعَةَ أَيَّامٍ» می‌پردازد. در این راستا، ابتدا به نقل اقوال و دسته‌بندی آنها پرداخته، آنها را نقد و بررسی نموده و در آخر، نگارندگان نظر خود را بیان و تبیین می‌نمایند.

پیشینه

در مورد عبارت «أَرْبَعَةَ أَيَّامٍ» در سوره فصلت، نظرات و سخنان فراوانی از متقدمان صاحب‌نظر تا کنون موجود است، ولی این نوشتار اضافه بر آن نظرات، نظر دیگری را بیان می‌دارد که در نوع خود، نسبت به آنچه تا کنون ابراز شده، بدیع است.

آیات خلقت جهان در شش روز

۱ و ۲- «إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ...» (اعراف: ۵۴، یونس: ۳).

۳- «وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ وَكَانَ عَرْشُهُ عَلَى الْمَاءِ...» (هود: ۷)

۴- «الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ...» (فرقان: ۵۹).

۵- «اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ...» (سجده: ۴).

۶- «وَلَقَدْ خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ وَمَا مَسَّنَا مِنْ لُغُوبٍ» (ق: ۳۸).

۷- «هُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ...» (حجید: ۴).

آیات مورد بحث

«قُلْ أَنتُمْ لَكُمْ فُؤَادٌ مِّنَ السَّمَاءِ وَهِيَ دُخَانٌ فَقَالَ لَهَا وَ لِلْأَرْضِ ائْتِيَا طَوْعًا أَوْ كَرْهًا قَالَتَا أَتَيْنَا طَائِعِينَ» فَفَضَّاهُنَّ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ فِي يَوْمَيْنِ وَأَوْحَىٰ فِي كُلِّ سَمَاءٍ أَمْرَهَا وَزَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِمَصَابِيحَ وَحِفْظًا ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ» (فصلت: ۹-۱۲)

«بگو: آیا شما به آن کس که زمین را در دو روز آفرید کافر هستید و برای او همانندهایی قرار می‌دهید؟! او پروردگار جهانیان است! او در زمین کوه‌های استواری قرار داد و برکاتی در آن آفرید و مواد غذایی آن را مقلد فرمود،- اینها همه در چهار روز بود- درست به اندازه نیاز تقاضاکنندگان! سپس به آفرینش آسمان پرداخت، در حالی که به صورت دود بود؛ به آن و به زمین دستور داد: «به وجود آید (و شکل گیرید)، خواه از روی اطاعت و خواه اکراه!» آنها گفتند: «ما از روی طاعت می‌آییم (و شکل می‌گیریم)!» در این هنگام آنها را به صورت هفت آسمان در دو روز آفرید، و در هر آسمانی کار آن (آسمان) را وحی (و مقرر)



فرمود، و آسمان پایین را با چراغ‌هایی [ستارگان] زینت بخشیدیم، و (با شهاب‌ها از رخنه شیاطین) حفظ کردیم، این است تقدیر خداوند توانا و دانا!»

بیان دیدگاه‌ها

۱- علامه طباطبایی ذیل این آیات، نظرات مختلفی را می‌آورد که بدین ترتیب است:

الف) تکوین زمین در دو مرحله صورت گرفته است: یکی مرحله خامی یا مرحله ذوب بودن، و دیگری مرحله پختگی یا منجمد شدن.

ب) چهار روز از تقدیر اقوات تتمه دو روز خلقت زمین است؛ یعنی خداوند دو روز به تکوین پرداخته و دو روز دیگر به تقدیر اقوات که مجموعاً چهار روز می‌شود.

ج) ظرف چهار روز، ظرف برای پدید آوردن زمین و آرزاق هر دو می‌باشد و فرق آن در این است که در یکی مقدر کردن اقوات را در تقدیر گرفته و دیگری حصول اقوات را.

د) آفرینش زمین و قرار دادن کوه‌ها و خیر و برکت و تقدیر اقوات، همه و همه در چهار مرحله بوده است که ضمن آفرینش زمین، مراحل دیگر نیز صورت گرفته و ترتیبی در کار نبوده است، بلکه پدید آوردن همه آنها، همزمان صورت گرفته است. علامه طباطبایی بعد از بیان این نظرات، دیدگاه خود را به شرح زیر بیان می‌دارد:

«تقدیر اقوات ارتباطی با خلقت آسمان و زمین ندارد و مراد از چهار روز در آیه شریفه، اشاره به چهار فصل سال دارد. بنابراین خلقت آسمان و زمین در شش مرحله بوده و ارتباطی با تقدیر اقوات در چهار فصل ندارد.» (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۱۷: ص ۳۶۳)

به نظر می‌رسد علامه طباطبایی، واژه «یوم» در آیات ۹ و ۱۲ را ظرف زمان و در آیه ۱۰، قید در نظر گرفته و دو معنای متفاوت برای آنها قائل شده است.

- ۲- مرحوم طبرسی در مجمع البیان، دو روز آفرینش زمین را جزء چهار روز می‌داند و با نقل حدیثی از عکرمه از ابن عباس در این مورد می‌گوید: «خداوند زمین را روز یکشنبه و دوشنبه آفریده و کوه‌ها را روز سه‌شنبه و درختان و آب و سرزمین‌های آباد و خراب را روز چهارشنبه آفرید و روز پنج‌شنبه آسمان و روز جمعه خورشید و ماه و ستارگان و فرشتگان و آدم را آفرید.» (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۹: ص ۶)
- بنابراین مشخص می‌شود ایشان «یوم» را همان روز دنیوی تفسیر نموده و خلقت زمین و من فیها، چهار روز به طول انجامیده است.
- ۳- در البرهان نیز مثل المیزان، «اربعه ایام» به چهار فصل تفسیر شده است. (بحرانی، ۱۴۱۵ق، ج ۴: ص ۷۸)
- ۴- تفسیر نمونه قول مشهور را پذیرفته است؛ یعنی چهار روز تتمه دو روز خلقت زمین است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۲۰: ص ۲۲۴) و این چهار دوران شامل خلقت زمین، کوه‌ها، منابع و معادن زمین و آفرینش مواد غذایی می‌باشد. (همان، ص ۲۲۶)
- ۵- در تفسیر کشف به نقل از زجاج آمده است چهار رور تتمه دو روز است و اینکه اشاره به چهار روز دارد، می‌خواهد کمال روز را بدون زیادت و نقصان افاده کند. (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۴: ص ۱۸۸)
- ۶- در تفسیر مفتاح الغیب نیز آمده که ایام اربعه مستغرق در یومین است و مراد این است که این اعمال سه‌گانه که مشتمل بر آفرینش کوه‌ها، خیر و برکت قرار دادن در زمین و حدوث روزی در آن است، بدون زیادت و نقصان از همان مرحله اول آفرینش زمین، به وقوع پیوسته است. (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۲۷: ص ۵۴۵)
- ۷- ابن عاشور بعد از بیان قول مشهور آورده است: «درست آن است که بگوییم به قصد ایجاز و ایجاد اعتماد برای آنچه که بعد می‌آید، یعنی آفرینش آسمان‌ها در دو روز، «فی اربعة ایام» آمده است.» (ابن عاشور، ۱۴۲۰ق، ج ۱۹: ص ۲۵) بنابراین ایشان معتقد است اربعة ایام اشاره به دو روز خلقت زمین و دو روز خلقت آسمان‌ها می‌کند.



۸- دکتر موریس بوکای معتقد است اربعه ایام اشاره به اعصار زمین‌شناسی است که انسان در دوره چهارم، خلق شده است (بوکای، ۱۳۹۳، ص ۲۰۰). البته در ادامه گفته است این فرضی بیش نیست.

۹- آیت الله معرفت، اربعه ایام را به دو روز برای خلقت زمین و دو روز برای تقدیر اقوات و تکوین جبال تقسیم نموده است. (معرفت، ۱۴۲۳ق، ص ۲۵۹)

۱۰- دکتر رضایی اصفهانی بعد از نقل اقوال از تفاسیر نمونه، المیزان، تورات، انجیل و کتاب «قرآن و علم»، قول مشهور را می‌پذیرد و معتقد است اربعه ایام تتمه یومین است. (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۳، ج ۱: ص ۱۲۴)

۱۱- دکتر سید رضا پاک‌نژاد در جلد اول کتاب «اولین دانشگاه و آخرین پیامبر»، اربعه ایام را مربوط به پیدایش روح، عقل، ملائک و نور می‌داند. (پاک‌نژاد، ۱۳۶۰: ج ۱: ص ۱۱۴)

جمع‌بندی دیدگاه‌ها

با بررسی دیدگاه‌های مختلفی که از مفسران و اندیشمندان ذکر شد، می‌توان مجموع آنها را به شرح زیر تقسیم‌بندی کرد:

۱- چهار روز تتمه دو روز است. دو روز اول اختصاص به خلقت زمین دارد و دو روز دیگر، اختصاص به آفرینش کوه‌ها، قرار دادن خیر و برکت و تقدیر اقوات دارد.

۲- دو روز متداخل در چهار روز است؛ یعنی همزمان با خلقت زمین، آفرینش سه‌گانه مذکور صورت گرفته است. خلقت زمین در دو مرحله اول به اتمام رسیده است، ولی آفرینش‌های سه‌گانه تا چهار مرحله بدون زیادت و نقصان تداوم می‌یابد.

۳- اربعه ایام، چهار فصل است.

۴- به قصد ایجاز و ایجاد اعتماد برای آفرینش آسمان‌ها آمده است. بنابراین اربعه ایام اشاره به دو روز خلقت زمین و دو روز خلقت آسمان دارد.

۵- اربعه ایام مربوط به چهار دوره زمین‌شناسی است.

۶- اربعه ایام مربوط به پیدایش عقل، روح، ملائک و نور است.

نقد و بررسی

دیدگاه اول: مستلزم تقدیر گرفتن است که خلاف ظاهر است. به هر حال تقدیر گرفتن مضاف محذوف برای ظرف «فی» می‌باشد. مثلاً «تمه» را مضاف برای اربعة ایام گرفته که در این صورت چنین گفته می‌شود: «و قدر فیها اقواتها فی تمه اربعة ایام».

اگر «واو» عاطفه فرض شود، در این صورت آفرینش سه‌گانه کوه‌ها، برکات و تقدیر اقوات در دو مرحله صورت گرفته و دو مرحله مربوط به آفرینش زمین است. در این صورت با آیات ۵۹ فرقان، ۴ سجده و ۳۸ ق که اشاره به آفرینش آسمان و زمین و «ما بینهما» در شش مرحله دارد، تعارض پیدا می‌کند. چون اگر آفرینش‌های سه‌گانه مذکور در ردیف «ما بینهما» آورده شود، نظر آیه تأمین نمی‌گردد؛ زیرا «ما بینهما» فراوان‌تر از این آفرینش سه‌گانه است. دریاها، جنگل‌ها، یخچال‌ها و ... همه در شمار «ما بینهما» قرار می‌گیرند.

دیدگاه دوم: مثل دیدگاه اول باید واژه‌ها را در تقدیر گرفت و آن واژه می‌تواند «کل ذلک» باشد؛ یعنی «و قدر فیها اقواتها کل ذلک فی اربعة ایام». چگونه می‌توان این دوره‌های سه‌گانه با دوره‌های دوگانه آفرینش زمین در چهار مرحله را توجیه کرد؟ این مطلب به ابهام آیه می‌افزاید. اگر دوره‌های آفرینش زمین، خامی و پختگی است (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۱۷: ص ۳۶۳)، این مراحل سه‌گانه آفرینش چگونه بین آنها در چهار مرحله تقسیم می‌شود، در حالی که زمین هنوز قوام و ثبات خود را نیافته است؟

دیدگاه سوم: درست است که یوم معانی متفاوتی در قرآن دارد (راغب، ۱۴۱۲ق: ص ۸۹۴)، ولی باید به تناسب آیات هم توجه داشت. مرجع ضمیر در «فیها» و «اقواتها» را می‌توان به چهار حالت توصیف کرد:

۱- «ارض - ارض» (در این صورت، روزی زمین را در چهار فصل تعیین کرد): این مطلب می‌تواند درست باشد، ولی اگر «سائلین» عام باشد. در این صورت باید به دو نکته توجه داشت: یکی اینکه برخی از روزی‌خواران نظیر آبزیان نمی‌توانند از



نعمت فصل‌ها متنعم گردند. دیگر اینکه در همه سطوح کره زمین، چهار فصل به‌طور متوازن وجود ندارد؛ چه بسا دو فصل باشد.

۲- «جبال- جبال» (در این صورت روزی کوه‌ها را در چهار فصل تعیین کرد): این مطلب با واقعیت تطابق ندارد؛ زیرا روزی کوه‌ها که معادن هستند، ربطی به فصول سال ندارد.

۳- «ارض- جبال» (در این صورت، روزی کوه‌ها را در زمین در چهار فصل تعیین کرد): این مطلب دچار ابهام است.

۴- «جبال- ارض» (در این صورت، روزی زمین را در کوه‌ها در چهار فصل تعیین کرد): این مطلب نیز با واقعیت تطابق ندارد؛ زیرا روزی زمین در کوه‌ها ارتباطی با فصول سال ندارد.

دیدگاه چهارم: چون «فی» در «فی اربعة ایام» متعلق به «قَدَر» می‌باشد، نمی‌توان گفت اشاره به دو روز خلقت زمین و دو روز خلقت آسمان دارد و از طرفی، اگر این دیدگاه را بپذیریم، نباید ضمیر در «فیها» مفرد باشد. بنابراین ضمیر مفرد، بیانگر عدم صحت این دیدگاه است.

دیدگاه پنجم: دوره‌های چهارگانه دیرینه‌شناسی پیدایش جانداران بدین صورت است:

دوره اول: پیدایش خزندگان، ماهی‌ها، مرجان‌ها، جلبک‌ها.

دوره دوم: پیدایش پرندگان، درختان میوه‌دار.

دوره سوم: پیدایش پستانداران، انواع درختان.

دوره چهارم: پیدایش انسان، گیاهان و درختان کنونی. (بی‌آزار شیرازی، ۱۳۴۹،

ص ۳۷-۴۲)

بر این اساس، باید برکت و تقدیر اقوات را در این دوره‌های چهارگانه تعریف کرد؛ به عبارتی باید «واو» در «و بارک فیها» را استینافیه گرفت؛ چون در این دوره‌های چهارگانه خبری از پیدایش کوه‌ها نیست. از طرفی ضمائر «ها» به «ارض» برمی‌گردد و در این صورت «فی اربعة ایام» ارتباطی با آفرینش جهان هستی در شش روز ندارد؛ چون بحث جداگانه‌ای است که به مراحل پیدایش جانداران

می‌پردازد. ولی اشکال در این است که موضوع آیات ۹-۱۲ سوره فصلت مربوط به خلقت جمادات است، نه جانداران. بنابراین تفسیر مذکور با تناسب آیات سازگار نیست.

دیدگاه ششم: شبیه به دیدگاه قبلی است، با این تفاوت که به خلقت مجردات اشاره کرده و همان ایراد دیدگاه قبل، بر این دیدگاه نیز وارد است؛ چون موضوع آیه خلقت جمادات است، نه مجردات.

دیدگاه منتخب

این سوره مکی، پیرامون اعراض کفار از قرآن سخن می‌گوید و غرض اصلی آن همین است. این غرض در چهار مقطع این سوره دنبال می‌شود. مقطع اول، آیه دو تا هفت این سوره می‌باشد. سپس در آیه بیست و ششم مجدداً همین مطلب را متذکر می‌شود و برای نوبت سوم در آیه چهلم، مطلب را از سر گرفته و تا آیه بعدی ادامه می‌دهد. مقطع آخر در اواخر سوره، باز سخن از الهی بودن قرآن می‌نماید. لازمه انکار کتاب خدا از طرف مشرکان، انکار اصول سه‌گانه دین، یعنی توحید، نبوت و معاد است. بنابراین گفتمان قرآن با مشرکان حول این سه محور می‌چرخد. (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۱۷: ص ۳۵۸)

هر آنچه در این سوره ملاحظه می‌شود، بیان حقایق و ارائه استدلال حول این سه محور می‌باشد. استدلال‌های ارائه‌شده پیرامون تفکر در آیات آفاقی و انفسی، تحذیر از تکذیب نشانه‌های الهی، تذکیر به مواضع مکذبان متقدم بر مشرکان عصر نزول، و ارائه نگاشته‌های مکذبان در روز قیامت می‌باشد. (شرف الدین، ۱۴۲۰ق، ج ۸: ص ۳۱)

طبق ساختار سوره فصلت، آیات مورد بحث در صدد بیان نشانه‌های آفاقی است. بنابراین لازم است در تفسیر آیات مذکور، ساختار سوره را رعایت کرد. به نظر می‌رسد آیه دهم که دربر دارنده عبارت «اربعة ایام» است، می‌خواهد در مورد تکوین کوه‌ها صحبت نماید. دلیل این سخن به شرح زیر بیان می‌گردد.



«واو» صدر آیه دهم را می‌توان استینافیه گرفت؛ زیرا فقط می‌خواهد درباره کوه‌ها صحبت کند. سیاق آیات ۹-۱۲ مؤید این مطلب است که قصد بیان آیات آفاقی را دارد و نمی‌خواهد ترتیب و مراحل آفرینش را ذکر نماید، بلکه صحبت از چگونگی پیدایش است. اگر «واو» را عاطفه بگیریم، باید عطف بر فعل صله گردد که در اینجا محذوف است. ولی تا زمانی که ظاهر آیه بیانگر مطلبی باشد، دیگر نیازی به تقدیر گرفتن نیست. از طرفی آوردن افعال گوناگون برای هر بخش از آفرینش نظیر «خَلَقَ»، «جَعَلَ»، «بَارَكَ»، «قَدَّرَ»، «اسْتَوَى»، «قَضَاهُنَّ»، «اَوْحَى» و «زَيَّنَّا» می‌تواند اجازه دهد تا هر بخش را جدا کرد و مؤید «واو» استینافیه باشد.

بنابراین آیه شریفه ۱۰، وارد در مراتب و مراحل آفرینش جهان هستی نمی‌شود و تنها بخشی از آفرینش را بیان می‌فرماید، همچنان که آفرینش انسان نیز که بخشی از آفرینش هستی است، مراحلی دارد؛ «ثُمَّ خَلَقْنَا النُّطْفَةَ عَلَقَةً فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ مُضْغَةً فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظَامًا فَكَسَوْنَا الْعِظَامَ لَحْمًا ثُمَّ أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ فَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنَ الْخَالِقِينَ» (مؤمنون: ۱۴). به عبارتی آیه ۱۰ در بین آیات ۹-۱۲ بیان اخص از اعم است تا اهمیت آیات آفاقی را در ازاله کفر برساند؛ چون این دسته از آیات با استفهام تعجبی خطاب به کافران شروع می‌شود «أَنْتُمْ لَتَكْفُرُونَ».

در مجموع این دسته از آیات (۹-۱۲ سوره فصلت) فقط از کل آفرینش جهان هستی که در شش برهه بوده، فقط به آن قسمت که مربوط به چگونگی آفرینش آسمان و زمین است و هر کدام در دو دوره اتفاق افتاده، اشاره دارد و اشاره‌ای به آفرینش «ما بینهما» ندارد؛ «وَلَقَدْ خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ...» (ق: ۳۸، سجده: ۴، فرقان: ۵۹).

موضوع آیه ۱۰ فصلت، آفرینش کوه‌ها و آن چیزی است که درون آنهاست. همان گونه که در جایی دیگر اشاره به آفرینش آنچه درون زمین است، دارد و می‌فرماید: «لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا وَمَا تَحْتَ الثَّرَى» (طه: ۶) (مشکینی، ۱۳۸۱: ۱/۳۱۲). در این آیه شریفه چند نکته قابل تأمل است.

۱- در آیه ۱۰ سه مرتبه واژه «فیها» تکرار شده است. اولین «فیها» متعلق به فعل «جعل» و ضمیر آن به «ارض» برمی‌گردد. دومین آن متعلق به فعل «بارک» می‌باشد

و ضمیر آن به «جبال» محذوف که صفت آن (رواسی) به جایش نشسته است، برمی‌گردد. البته بیشتر مفسران گفته‌اند به «ارض» برمی‌گردد، ولی به نظر می‌رسد به «جبال رواسی» نزدیک‌تر است و بر اساس قاعده به آن باز می‌گردد. سومین «فیها» متعلق به فعل «قَدَّر» می‌باشد که آن هم به «رواسی» برمی‌گردد. بنابراین معنای آن چنین می‌شود: «خداوند در زمین کوه‌هایی استوار قرار داده است و در کوه‌ها برکت قرار داد و درون آن روزی‌هایی تعیین کرد در چهار دوره یکسان [که نشانه‌ای است] برای جویندگان». با این معنا، «برکت» کوه‌ها ناظر بر وجود معدن‌ها در آنها، و «تقدیر اقوات» ناظر بر نوع معادن است که از آن، پراکندگی توزیع معادن در شرایط اقلیمی گوناگون افاده می‌شود.

۲- «مِن» در «مِن فوقها» می‌تواند بعضیه باشد و اشاره به قسمت روی سطح کوه‌ها نماید. با این مضمون که به کافران بفهماند در آنچه که می‌بینید، تفکر نمایید.

۳- «سواء» حال می‌باشد و ذوالحال آن «ایام» است، نه «اقوات». برخی مفسران گفته‌اند «اقوات» است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۲۰: ص ۲۲۳؛ بحرانی، ۱۴۱۵ق، ج ۴: ص ۷۸۱؛ طبری، ۱۴۱۲ق: ج ۲۴: ص ۶۳). بنابراین معنای آن می‌شود «در چهار دوره یکسان».

۴- «للسائلین» می‌تواند با توجه به معنای سائل، واژه «آیات» را در تقدیر داشته باشد؛ یعنی «آیات للسائلین». ولی برخی مفسران «قوة» را در تقدیر گرفته و گفته‌اند «قوة للسائلین» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۲۰: ص ۲۲۳؛ بحرانی، ۱۴۱۵ق، ج ۴: ص ۷۸۰؛ طبری، ۱۴۱۲ق: ج ۲۴: ص ۶۳). ولی از آنجایی که سیاق بیانگر آیات آفاقی برای پندگیری کافران است، واژه آیات می‌تواند مناسب‌تر باشد. از طرفی سائل همواره در معنای جوینده روزی نمی‌آید، مانند «سَأَلَ سَائِلٌ بِعَذَابٍ وَاقِعٍ» (معارج: ۱) که معنای درخواست‌کننده می‌دهد، یا «لَقَدْ كَانَ فِي يُوسُفَ وَ إِخْوَتِهِ آيَاتٌ لِّلسَّائِلِينَ» (یوسف: ۷) که معنای جویندگان حقیقت را می‌دهد.

۵- «فی اربعة ایام سواء» ظرف زمان است برای «و قَدَّر فیها اقواتها» و دلیلی ندارد که ظرف زمان برای «جعل فیها رواسی من فوقها» یا «بارک فیها» باشد. در این صورت به‌ناچار باید مضافی را در تقدیر گرفت. ولی وقتی ظاهر آیه این معنا را



افاده می‌کند که ظرف زمان برای جمله قبل است، دیگر دلیلی برای تقدیر گرفتن مضاف محذوف نیست.

با توجه به مباحثی که بیان شد، آیه ۱۰ سوره فصلت جمله استینافی است که در مورد آفرینش کوه‌ها و پیدایش معادن صحبت می‌کند و هدف آن، بیان نشانه برای جویندگان راه حقیقت است. با این اوصاف معنای آیه دهم چنین می‌شود: «خداوند در زمین کوه‌های استوار قرار داد که قسمتی از آن روی زمین است و در کوه‌ها برکت قرار داد و درون آن روزی‌هایی در چهار دوره یکسان تعیین کرد که [نشانه‌ای است] برای جویندگان [راه حقیقت]». با این معنا برکت کوه‌ها ناظر بر وجود معادن و تقدیر اقوات ناظر بر انواع معادن است و شاید منظور از چهار دوره یکسان، اشاره به دوره‌های چهارگانه پیدایش انواع معادن است که در علم زمین‌شناسی به دوره‌های چهارگانه تشکیل کانی معروف است.

معنای ارائه شده در این تحقیق با معنای گفته شده توسط بیشتر مفسران کمی متفاوت است. این تفاوت در نوع نگرش به واژه «سواء» می‌باشد. مفسران ذکر شده در این تحقیق، این آیه را چنین معنا نموده‌اند: «او در زمین کوه‌های استواری قرار داد و برکاتی در آن آفرید و اقوات آن را در چهار روز یا چهار فصل، درست به اندازه نیاز تقاضاکنندگان مقدر فرمود».

بررسی دوره‌های چهارگانه پیدایش معادن از نگاه علمی

قبل از ورود به بحث علمی، ذکر این نکته ضروری است که تفسیر ارائه شده از عبارت «اربعة ایام» در این تحقیق، چهار دوره یکسان در پیدایش معادن است. این تفسیر به همین جا ختم می‌شود و مطالب علمی که در ادامه خواهد آمد، فقط و فقط بیان یک مصداق از تفسیر مذکور است. شاید با پیشرفت علمی، مصادیق جدیدتری از این تفسیر هویدا گردد.

کانی‌ها را از لحاظ شکل‌گیری می‌توان به کانی‌های اولیه و ثانویه تقسیم کرد. کانی‌های اولیه در اعماق زمین شکل گرفته‌اند و کانی‌های ثانویه بر روی سطح زمین. کانی‌های ثانویه از تغییر و دگرگونی کانی‌های اولیه به وجود می‌آیند.

کانی‌های اولیه برای سازگار شدن با شرایط سطح زمین، خرد و تجزیه شده و تحت عوامل مختلف بیولوژیکی، هوازگی و رسوبی به کانی‌های ثانویه تبدیل می‌شوند. بنابراین بحث این نوشتار کانی‌های اولیه هستند؛ از این جهت که «فیها» ناظر بر درون است و از جهتی دیگر، آنها ماده اولیه هستند.

کانی‌های اولیه تحت چهار عامل یکسان تشکیل می‌شوند. شکل‌گیری آنها عموماً متأثر از دما، فشار، بخار و آب می‌باشد. برخی از آنها از انجماد مواد مذاب به وجود می‌آیند. برخی دیگر از سرد شدن بخارها در سطح سنگ‌ها، و برخی دیگر محصول تجزیه محلول‌هایی هستند که به حد اشباع رسیده‌اند. این فرایندها در کیلومترها از اعماق زمین رخ می‌دهد. ماده اصلی تشکیل دهنده کانی‌ها، ماگماها می‌باشند که تحت عوامل یادشده، کانی‌های متفاوتی شکل می‌گیرد که معمولاً در علم کانی‌شناسی به چهار مرحله ماگمایی اولیه، پگماتیت، پنوماتولیتیک و گرمابی تقسیم می‌شوند. (کلاین، ۱۳۸۵، ج ۲: ص ۶۱۱)

مرحله اول: ماگماها که در اعماق پوسته زمین قرار دارند، اساساً از اکسیژن، سیلیس، آلومینیوم، آهن، کلسیم، منیزیم، سدیم و پتاسیم تشکیل شده‌اند، اما دارای مقدار قابل توجهی آب و دی‌اکسید کربن هستند. وقتی ماگماها در آن اعماق تحت دما و فشار بسیار بالا قرار می‌گیرند، از هم تفکیک شده و از این واکنش‌های پیوسته‌ای، معادنی چون الماس، پلاتین، کرومید، مس، آهن و سنگ‌گرانیت شکل می‌گیرد.

مرحله دوم: پگماتیت‌ها، عناصر باقیمانده از ماگماها هستند که توده بسیار درشت دانه‌ای می‌باشند و به‌طور رایج از درون توده‌ها به درون سنگ‌های دربر گیرنده اطراف خود نفوذ می‌کنند. فرایند تبلور، باعث تمرکز سازهای فرار در مذاب بازمانده ماگما می‌شود. حضور این مواد فرار مثل آب، بور، فلورئور و کلر، تبلور را آسان می‌کند. وقتی این مایع مذاب بازمانده به درون سنگ‌های سردتر اطراف تزریق می‌شود، از اطراف به سمت درون تبلور می‌یابد و باعث پیدایش معادنی چون تیتانیم، زیرکونیوم، میکاهای صنعتی، کوارتز، لیتیم و بریلیوم می‌گردد. (همان، ۶۲۳)



مرحله سوم: پنوماتولیتیک‌ها در داخل سنگ‌های واکنش‌پذیر به شکل توده‌های تخت در امتداد شکاف و چین‌بندی سنگ‌ها، تحت فشار و حرارت تشکیل می‌شوند. معادنی که در این مرحله به وجود می‌آیند، عموماً به صورت سولفورهای غیر فلزی هستند. معدن قلع نیز در این مرحله به وجود می‌آید. (لیت، ۱۳۸۵، ص ۱۱۷؛ پایگاه داده‌های علوم زمین www.ngdir.ir)

مرحله چهارم: حاصل کانی‌سازی سیال‌های کانی‌دار گرم است که در زیر زمین جریان دارند. عناصر موجود در این سیال‌ها، خاستگاهی ماگمایی دارند و در چهره‌های گوناگون در مسیر آب زیرزمینی، به تدریج حمل می‌شوند. این همراهی تدریجی با آب موجب پیدایش سیال‌های کانی‌دار می‌شود و معادنی چون سرب، نقره، روی و سولفورهای فلزی تشکیل می‌گردد (پایگاه داده‌های علوم زمین، www.ngdir.ir).

خلاصه اینکه در مرحله اول، ماگماها تحت دما و فشار بسیار بالا قرار گرفته و معادنی به وجود می‌آیند. سپس در مرحله دوم، باقیمانده ماگماها به نام پگماتیت‌ها سرد شده و معادنی دیگر به وجود می‌آیند. در مرحله سوم پنوماتولیت‌ها که به جای مانده از پگماتیت‌های سرد شده هستند، ولی در لایه‌های سنگ‌های واکنش‌پذیر رسوخ کرده‌اند، بر اثر فشار و حرارت، سولفورهای غیر فلزی را تشکیل می‌دهند. در مرحله چهارم، ماگماهایی هستند که با جریان آب گرم زیرزمینی همراه شده و سیال‌های کانی‌دار به وجود می‌آورند.

نتیجه اینکه خداوند قادر متعال در چهار مرحله، انواع کانی‌ها در شرایط‌های گوناگون اقلیمی را که متأثر از درون و اعماق زمین است، خلق کرده است که عبارت «وَقَدَّرَ فِيهَا أَقْوَاتَهَا فِي أَرْبَعَةِ أَيَّامٍ سَوَاءً» به این مطلب اشاره دارد. به نظر می‌رسد لفظ «سواء» که معنای یکسان می‌دهد، نشأت گرفته از این است که همه این مراحل خاستگاهی ماگمایی دارند؛ یعنی منشأیی یکسان دارند.

بررسی یک اشکال و پاسخ به آن

اشکالی که ممکن است بر این دیدگاه وارد شود، این است که کانی‌ها نمی‌توانند به‌عنوان قوت باشند. اگر از معنای ظاهری قوت عدول نکنیم، لزوماً ضمیر «ها» در «فیها اقواتها» باید به «ارض» برگردد. اگر این مطلب را بپذیریم، به ناچار باید «فی اربعة ايام» را به «چهار قسمت» تفسیر کرد. در این صورت اقوات چهارگانه عبارت‌اند از آب و آبیان، جانوران، نباتات و اشجار، هوا و هوازیان. چنان‌که در خطبه اشباح (خطبه ۹۰) نهج البلاغه، حضرت علی علیه السلام بعد از توصیف آفرینش زمین و کوه‌ها می‌فرماید: «و فَسَّحَ بَيْنَ الْجَوِّ وَ بَيْنَهَا وَ اَعَدَّ الْهَوَاءَ مُتَنَسِّمًا لِسَاكِنِهَا»؛ «آن‌گاه فضای میان آسمان و زمین را گشاده گردانید و هوا را برای تنفس ساکنان زمین آفرید.» و در ادامه می‌فرماید: «فَلَمَّا الْفَتَّ السَّحَابَ ... اَخْرَجَ بِهِ مِنْ هَوَامِدِ الْاَرْضِ النَّبَاتَ وَ مِنْ رُغْدِ الْجِبَالِ الْاَعْشَابَ ... وَ جَعَلَ ذَلِكُ بَلَاغًا لِلْاَنْامِ وَ رِزْقًا لِلْاَنْعَامِ»؛ «هنگامی که ابرها آب فراوانی را فرو ریختند ...، از زمین‌های خشک، نباتات و از کوه‌ها، گیاهان تازه برویاند ... خداوند آن رویدنی‌ها را توشه مردم و چارپایان گردانید.» حضرت علی علیه السلام در این خطبه به‌طور ضمنی به اقوات چهارگانه اشاره می‌فرماید، ولی در صدد تفسیر این آیه نیستند، بلکه عظمت آفرینش را بیان می‌فرمایند.

در صورت تفسیر اقوات بدین گونه، باید «سائلین» را جویندگان قوت تفسیر کرد، ولی چنان‌که گذشت، سائلین معانی فراتری دارد. از سوی دیگر ترجیحاً «سواء» را نیز باید مفعول مطلق برای فعل محذوف در جمله «سواء للسائلین» گرفت که این معنا با سیاق آیات سازگاری ندارد؛ زیرا سیاق آیات بیانگر دادن نشانه‌های آفاقی به کافران برای تدبّر و تعقل است؛ همان‌گونه که در صدر آیه نهم، جمله «قُلْ اَنْتُمْ تَتَكَفَّرُونَ بِالَّذِي خَلَقَ الْاَرْضَ ...» آمده و معلول آن در ادامه همان آیه با بیان «ذَلِكُمْ رَبُّ الْعَالَمِينَ» می‌آید. با این تفصیل، به‌ناچار باید از معنای ظاهری قوت صرف نظر کرد و معنای اقتضایی آن، یعنی روزی را در نظر گرفت (بندر ریگی، ۱۳۶۸، ص ۴۶۲) و گفت «چهار مرحله روزی به‌طور یکسان در کوه‌ها مقدر کرد.» با این تفسیر تنها از معنای اصلی قوت عدول کرده و به معنای اقتضایی آن پرداخته می‌شود، در غیر این صورت، باید از معنای انتزاعی یوم (راغب، ۱۴۱۲ق، ص ۸۹۴)



و معنای اصلی سائل (مصطفوی، ۱۴۳۰ق، ج ۵: ص ۸) عدول کرده تا اقوات چهارگانه موجودات زمینی را بیان کرد.

نتیجه گیری

آیه دهم از سوره فصلت به آفرینش کوهها می پردازد و در دایره آفرینش شش مرحله ای جهان هستی قرار نمی گیرد، بلکه بخشی از آن است. آیه نهم به آفرینش زمین در دو دوره، و آیه یازدهم به چگونگی خلقت آسمان و مواد اولیه تشکیل دهنده آن، و آیه دوازدهم به آفرینش آسمانها در دو دوره اشاره می کند و به دو دوره دیگر از مجموع شش دوره آفرینش که مربوط به خلقت آنچه ما بین زمین و آسمان است، اشاره ای نرفته است.

چهار دوره مذکور در آیه دهم مربوط به دوران پیدایش معادن در کوههاست که اخص از آفرینش کل جهان هستی می باشد؛ همان گونه که خداوند حکیم در سوره مؤمنون، هفت مرحله را برای خلقت انسان می شمارد که آن هم اخص از شش دوران آفرینش جهان است؛ چرا که خلقت انسان مربوط به دو دوره خلقت «ما بینهما» است؛ همان گونه که خلقت کوهها نیز چنین است.

در آیه دهم سه بار لفظ «فیها» به کار رفته که اولی به «ارض» و دومی و سومی به موصوف محذوف «رواسی» که «جبال» می باشد برمی گردد. اولی به فعل «جَعَلَ»، دومی به فعل «بَارَكَ» و «سومی» به فعل «قَدَّرَ» متعلق است و ظرف «فی اربعة ایام» متعلق به فعل «قَدَّرَ» می باشد و لفظ «سواء» حال است متعلق به «قَدَّرَ» و ذوالحال آن «ایام» می باشد. «للسائِلین» می تواند لفظ «آیات» را در تقدیر داشته باشد؛ چون سیاق آیات بیانگر نشانه های آفاقی است برای حقیقت جویی کافران، ازاین رو آفرینش کوهها و پیدایش معادن می تواند نشانه ای برای هدف مذکور باشد.

با این اوصاف معنای آیه دهم چنین می شود: «خداوند در زمین کوههای استوار قرار داد که قسمتی از آن روی زمین است و در کوهها برکت قرار داد و درون آن روزی هایی در چهار دوره یکسان تعیین کرد [که نشانه ای است] برای جویندگان [راه حقیقت]». با این معنا، برکت کوهها ناظر بر وجود معادن، و تقدیر اقوات ناظر

بر انواع معادن است که در چهار دوره کانی‌شناسی برگرفته از منبعی واحد به وجود آمده‌اند. این چهار دوره عبارت‌اند از: ماگمایی اولیه، پگماتیتی، پنوماتولیتیکی و گرمابی که منشأ اولیه آنها ماگما می‌باشد. چهار دوره تعریف شده مربوط به پیدایش اولیه کانی‌هاست و پیدایش ثانویه آنها مربوط به انفعالات روی سطحی زمین است که بحث آیه نیست، چون ظاهر آیه با آوردن لفظ «فی»، بیانگر پیدایش درون‌زاست. شاید اشکالی که بر معنای مذکور وارد شود، این باشد که از معنای ظاهری قوت عدول شده و معنای اقتضایی آن که «روزی» است، آورده شده است. در این صورت اقوات چهارگانه می‌شود آب و آبزیان، جانوران، نباتات و اشجار، هوا و هوازیان. در معنای اخیر، ناگزیر باید از معنای اصلی «سائلین» عدول کرده و نقش «سواء» را تغییر داد و ضمیر در «قدر فیها» را به مرجعی دورتر، یعنی «ارض» برگردانیم. در این صورت شاهد تغییرات گسترده در ظاهر آیه هستیم، بنابراین معنای اولی که عدول از معنا ظاهری یک لفظ است، راجح می‌باشد.

کتابنامه

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه.
۳. ابن عاشور، محمد طاهر (۱۴۲۰ ق)، *التحریر و التئویر*، چاپ اول، بیروت: مؤسسه التاریخ العربی.
۴. بحرانی، هاشم (۱۴۱۵ ق)، *البرهان فی تفسیر القرآن*، چاپ اول، قم: مؤسسه البعثه.
۵. بندر ریگی، محمد (۱۳۶۸)، *ترجمه منجد الطلاب*، چاپ ششم، تهران: انتشارات اسلامی.
۶. بوکای، موریس (۱۳۹۳)، *مقایسه ای میان تورات و انجیل و قرآن و علم*، ترجمه ذبیح‌الله دبیر، چاپ پانزدهم، تهران: نشر فرهنگ اسلامی.
۷. بی‌آزار شیرازی، عبدالکریم (۱۳۴۹)، *گذشته و آینده جهان*، چاپ دوم، قم: نشر طباطبایی.
۸. پاک‌نژاد، سید رضا (۱۳۶۰)، *اولین دانشگاه و آخرین پیامبر*، چاپ اول، تهران: انتشارات اسلامی.
۹. پایگاه ملی داده‌های علوم زمین www.ngdir.ir



۱۰. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق)، مفردات فی الفاظ القرآن کریم، چاپ اول، بیروت: دارالقلم.
۱۱. رضایی اصفهانی، محمدعلی (۱۳۸۳)، پژوهشی در اعجاز علمی قرآن کریم، چاپ چهارم، رشت: کتاب مبین.
۱۲. زمخشری، محمود (۱۴۰۷ق)، الکشاف، چاپ سوم، بیروت: دارالکتب العربی.
۱۳. شرف الدین، جعفر (۱۴۲۰ق)، الموسوعة القرآنیة خصائص السور، بیروت: دارالتقريب بين المذاهب الاسلامیه.
۱۴. طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۹۰ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، چاپ دوم، بیروت: مؤسسة الاعلمی.
۱۵. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، چاپ سوم، تهران: ناصر خسرو.
۱۶. طبری، محمدبن جریر (۱۴۱۲ق)، جامع البیان فی تفسیر القرآن، چاپ اول، بیروت: دارالمعرفه.
۱۷. فخر رازی، محمدبن عمر (۱۴۲۰ق)، تفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)، چاپ اول، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۸. کلاین، کرنلیس و همکار (۱۳۸۵)، راهنمای کانی شناسی، ترجمه فرید مُر و همکار، چاپ دوم، تهران: نشر دانشگاهی.
۱۹. لیت، ل. دان (۱۳۸۵)، زمین شناسی فیزیکی، ترجمه فرید مُر، چاپ هفتم، شیراز: انتشارات دانشگاه شیراز.
۲۰. مصطفوی، حسن (۱۴۳۰ق)، التحقیق فی کلمات القرآن کریم، چاپ سوم، لندن: مرکز نشر آثار علامه مصطفوی.
۲۱. معرفت، محمد هادی (۱۴۲۳ق)، شبهات و ردود حول القرآن الکریم، قم: مرکز نشر التمهید.
۲۲. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران (۱۳۷۱)، تفسیر نمونه، چاپ دهم، تهران: دارالکتب الاسلامیه.